

سنجش جبهه‌بندی‌های نوین منطقه‌ای بر اساس مبانی قرآنی تولی و تبری (مطالعه تطبیقی: محور مقاومت و پیمان ابراهیم)

سید مسعود عمرانی

¹ استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. emrani@cfu.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف پژوهش حاضر سنجش جبهه‌بندی‌های نوین منطقه‌ای در غرب آسیا بر اساس مبانی قرآنی «تولی و تبری» با رویکرد مطالعه تطبیقی محور مقاومت و پیمان ابراهیم است. روش تحقیق از نوع کیفی با رویکرد تفسیر موضوعی قرآن می‌باشد. با جستجوی واژگان «ولی»، «ولایت»، «بری» و «برائت» در قرآن و مراجعه به تفاسیر معتبر (المیزان، نمونه، فی ظلال القرآن، المنار)، شاخص‌های عینی در سه سطح اعتقادی، رفتاری و سیاسی استخراج و دسته‌بندی شدند. فرایند استخراج شاخص‌ها در قالب جدولی شفاف ارائه شده و دیدگاه‌های فقهی تفسیری مخالف (مانند جواز عادی‌سازی به استناد صلح حدیبیه) نقل و نقد گردیده است. چارچوب طراحی شده بر دو مطالعه موردی متقابل، یعنی «محور مقاومت» و «پیمان ابراهیم»، با تحلیل اسناد رسمی، بیانیه‌ها و اقدامات عملی تا سال ۲۰۲۶ اعمال شده است. برای پرهیز از مغالطه «تقیه مضاعف»، معیاری یکسان برای سنجش «صدق اضطرار» تدوین و به طور متقارن برای هر دو جبهه به کار گرفته شده است. همچنین پابندی به اصل عدالت با استناد به گزارش‌های سازمان ملل و عفو بین‌الملل ارزیابی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که محور مقاومت در ۸ شاخص از ۱۱ شاخص (۷۲٪) همخوانی قوی تا متوسط دارد، در حالی که پیمان ابراهیم در ۱۰ شاخص از ۱۱ شاخص (۹۱٪) در تضاد آشکار با مبانی قرآنی است. نتایج پژوهش چارچوبی علمی و نسبی‌گرا برای تحلیل مشروعیت دینی ائتلاف‌های منطقه‌ای فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی تولی و تبری همچنان توانایی تبیین و داوری درباره تحولات سیاسی معاصر را دارند.

کلیدواژه‌ها

تولی، تبری، مبانی قرآنی، جبهه‌بندی‌های نوین منطقه‌ای، محور مقاومت، پیمان ابراهیم.

مقدمه

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

قرآن کریم به عنوان کامل ترین کتاب هدایت، افزون بر ابعاد فردی و عبادی، چارچوبی منسجم برای ساماندهی روابط اجتماعی و سیاسی مؤمنان ترسیم کرده است. در میان آموزه های قرآنی، دو مفهوم «تولی» و «تبری» نقشی محوری در تعیین مرزهای اعتقادی و رفتاری امت اسلامی در مواجهه با «جبهه ایمان» و «جبهه کفر» ایفا می کنند. این دو اصل که در آیات متعددی از سوره های ممتحنه، آل عمران، مجادله، مائده و نساء به صراحت یا اشاره آمده، نه تنها یک وظیفه فردی اخلاقی، بلکه یک الگوی کنش جمعی و سیاسی را نیز ترسیم می نمایند.

با این حال، در جهان اسلام معاصر، به ویژه در منطقه غرب آسیا (که کانون اصلی شکل گیری این جبهه بندی هاست؛ هرچند اصطلاح خاورمیانه مفهومی گسترده تر داشته و شمال آفریقا را نیز دربرمی گیرد که حضور کشورهای مؤثری چون مصر و مراکش در پیمان ابراهیم، توجه به این تمایز را ضروری می سازد)، جبهه بندی های سیاسی و نظامی پیچیده و سیالی شکل گرفته اند. برخی از این جبهه بندی ها خود را بر پایه «تولی به محور مقاومت» و «تبری از استکبار» تعریف می کنند و برخی دیگر در قالب ائتلاف هایی با قدرت های فرامنطقه ای (مانند پیمان ابراهیم، ناتوی عربی و ائتلاف های دریایی)، عملاً مرزبندی های سنتی را دگرگون ساخته اند.

در چنین فضایی، پرسش بنیادین آن است که آیا آموزه قرآنی تولی و تبری می تواند چارچوبی عملیاتی و قابل سنجش برای ارزیابی این جبهه بندی های نوین فراهم آورد؟ و اگر آری، آن چارچوب از چه مؤلفه ها، سطوح و شاخص هایی تشکیل می شود؟

اهمیت این مسئله از آنجا بیشتر می شود که در دهه اخیر، منطقه غرب آسیا دستخوش تحولات عمیقی شده است: خروج تدریجی آمریکا از عراق و افغانستان، جنگ های نیابتی ایران و عربستان، عادی سازی روابط چند کشور عربی با اسرائیل، و ظهور بازیگران غیردولتی قدرتمند مانند حزب الله و انصارالله. در این فضای متلاطم، مرزهای سنتی «دوست» و «دشمن» دچار ابهام شده و نیاز به یک قطب نمای دینی سیاسی که از متن قرآن استخراج شده باشد، بیش از پیش احساس می شود.

پژوهش های پیشین غالباً به یکی از دو جنبه اکتفا کرده اند: دسته ای صرفاً به معنانشناسی و ریشه یابی کلامی تولی و تبری پرداخته اند و دسته ای دیگر بدون استخراج دقیق مبانی قرآنی، به تحلیل های سیاسی روزمره روی آورده اند. خلأ اصلی، فقدان مدلی نظری است که از دل قرآن بیرون آمده و بتواند «مفهوم» را به «عمل» در عرصه جبهه بندی های متغیر منطقه ای پیوند بزند. از این رو،

پژوهش حاضر با هدف سنجش جبهه‌بندی‌های نوین منطقه‌ای بر اساس چارچوبی قرآنی مبتنی بر تولی و تبری و سپس مطالعه تطبیقی دو جبهه متقابل (محور مقاومت و پیمان ابراهیم) صورت می‌گیرد. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بدون چنین چارچوبی، داوری در مورد مشروعیت یا نامشروع بودن همگرایی‌ها و واگرایی‌های منطقه‌ای، یا مبتنی بر سلیقه‌های سیاسی خواهد بود یا به افراط و تفریط در تفسیر «تبری» (مانند تکفیر و خشونت‌گرایی) دامن می‌زند.

پیشینه پژوهش

بررسی نظام‌مند پیشینه نشان می‌دهد که مطالعات مرتبط با تولی و تبری را می‌توان در سه دسته جای داد:

دسته نخست: مطالعات مفهوم‌شناختی و کلامی

این آثار عمدتاً با رویکرد تفسیر موضوعی یا تحلیل روایی، به تبیین ریشه‌های لغوی، قرآنی و حدیثی تولی و تبری پرداخته‌اند. نمونه‌هایی مانند پایان‌نامه‌های متعدد در دانشگاه‌های علوم اسلامی، معناشناسی این دو واژه را با تأکید بر آیات محوری (ممتحنه: ۴، آل عمران: ۲۸، مجادله: ۲۲) روشن ساخته‌اند. همچنین آثاری مانند «آثار تربیتی تبری» (اندیشه هاشم) بر پیامدهای فردی و اجتماعی تبری تأکید داشته‌اند. با این حال، این دسته از پژوهش‌ها عمدتاً در سطح نظری و انتزاعی باقی مانده و به‌ندرت به کاربرت سیاسی منطقه‌ای پرداخته‌اند.

دسته دوم: مطالعات سیاسی فقهی و سیاست خارجی اسلامی

در این حوزه، پژوهشگرانی چون تقوی رفسنجانی (۱۴۰۱) در مقاله «مبانی قرآنی مقابله با مستکبران»، اصولی چون «تولی و تبری»، «نفی سبیل» و «عزت اسلامی» را به عنوان مبانی سیاست خارجی نظام اسلامی استخراج کرده‌اند. همچنین برخی آثار به نقش «سوره ممتحنه» به عنوان منشور روابط بین‌الملل اسلام اشاره کرده‌اند. اما نوآوری این آثار محدود به سطح کلان و اصول کلی است و به طراحی شاخص‌های عینی برای سنجش جبهه‌بندی‌های مشخص نپرداخته‌اند.

دسته سوم: مطالعات جبهه‌بندی‌های معاصر (با رویکرد غیرقرآنی یا ناقص)

تحلیل‌های سیاسی و ژئوپلیتیک از جبهه‌بندی‌هایی مانند محور مقاومت، پیمان ابراهیم یا ائتلاف‌های شورای همکاری خلیج فارس فراوان است، اما این تحلیل‌ها غالباً فاقد مبانی قرآنی نظام‌مند هستند و اگر هم به «تولی و تبری» اشاره کنند، بیش از یک شعار سیاسی از آن بهره نمی‌گیرند. از سوی دیگر، برخی نوشته‌های تبلیغاتی یا تکفیری، مفهوم تبری را به خشونت و تکفیر دیگر مسلمانان تعمیم داده‌اند که با روح آیات تقیه و عدالت در تضاد است.

یک خلأ مهم دیگر، نبود مطالعات تطبیقی است که دو جبهه متقابل را با یک چارچوب دینی روش شناختی واحد بسنجد. بیشتر پژوهش‌ها یا صرفاً از محور مقاومت دفاع کرده‌اند یا صرفاً به نقد پیمان ابراهیم پرداخته‌اند، اما به ندرت هر دو را در یک ترازوی تحلیلی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر این خلأ را پر می‌کند.

با مرور پیشینه، سه خلأ اساسی آشکار می‌شود:

۱. فقدان مدل عملیاتی از تولی و تبری که از قرآن استخراج شده و قابلیت سنجش جبهه‌بندی‌های عینی را داشته باشد.

۲. عدم تفکیک سطوح تولی و تبری (اعتقادی، رفتاری، سیاسی) در تحلیل جبهه‌بندی‌های نوین.

۳. نادیده گرفتن نقش قیود قرآنی (مانند تقیه، مصلحت، عدالت و قاعده اضطرار) در تعیین مرزهای عملی تبری و تولی.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأها، چارچوبی چندسطحی و شاخص‌محور از مبانی قرآنی تولی و تبری ارائه می‌دهد و آن را در دو نمونه متقابل از جبهه‌بندی‌های نوین غرب آسیا به کار می‌بندد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی:

مبانی قرآنی تولی و تبری چگونه می‌توانند به عنوان چارچوبی برای سنجش جبهه‌بندی‌های نوین منطقه‌ای عملیاتی شوند؟

پرسش‌های فرعی:

۱. قرآن کریم بر اساس آیات خود چه سطوح و مؤلفه‌هایی برای «تولی» و چه مؤلفه‌هایی برای «تبری» تعریف کرده است؟

۲. کدام دسته از جبهه‌بندی‌های نوین در منطقه غرب آسیا (با تأکید بر دو مطالعه موردی محور مقاومت و پیمان ابراهیم) با شاخص‌های قرآنی تولی سازگارند و کدام یک مصداق تبری یا تولی منهی عنه محسوب می‌شوند؟

۳. قیود و استثنائات قرآنی (تقیه، مصلحت، اضطرار و عدالت) چه تأثیری در داوری نهایی نسبت به هر جبهه‌بندی دارند؟

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، توسعه‌ای کاربردی و از نظر ماهیت داده، کیفی است. روش اصلی، تفسیر موضوعی قرآن بر اساس رویکرد «تفسیر القرآن بالقرآن» و بهره‌گیری از تفاسیر معتبر (المیزان، نمونه، فی ظلال القرآن، المنار) می‌باشد. مراحل روش تحقیق عبارت است از:

گام اول: جستجوی واژگان «ولی»، «ولایت»، «بریء»، «برائت» و مشتقات آن‌ها در کل قرآن کریم (با استفاده از نرم‌افزار جامع التفاسیر) و استخراج آیات مرتبط.

گام دوم: دسته‌بندی آیات بر اساس مضمون: آیات واجب‌کننده تولی به خدا، رسول و مؤمنان؛ آیات لازم‌شمارنده تبری از دشمنان خدا؛ آیات بیانگر استثنائات (تقیه، مصلحت، اضطرار)؛ و آیات ناظر به پیامدهای نقض تولی و تبری.

گام سوم: استخراج شاخص‌های عینی قابل اندازه‌گیری از هر آیه با روش تحلیل مضمون. برای شفاف‌سازی فرایند تبدیل مفهوم به شاخص.

گام چهارم: طراحی چارچوب سه‌سطحی (اعتقادی، رفتاری، سیاسی) با شاخص عملیاتی در هر سطح.

گام پنجم: انتخاب دو جبهه‌بندی متقابل و پراهمیت در غرب آسیا: محور مقاومت و پیمان ابراهیم. برای هر کدام، اسناد رسمی، بیانه‌ها و اقدامات عملی جمع‌آوری و بر اساس شاخص‌های قرآنی ارزیابی می‌شود. در این ارزیابی، قیود (تقیه، مصلحت، اضطرار، عدالت) به طور متقارن و با معیاری یکسان برای هر دو جبهه اعمال می‌گردد.

گام ششم: تعیین کیفی میزان همخوانی یا ناهمخوانی هر جبهه‌بندی با هر یک از شاخص‌های تولی و تبری، و در نهایت داوری نهایی با در نظر گرفتن قیود قرآنی.

جامعه پژوهش، کلیه آیات قرآن و نیز کلیه جبهه‌بندی‌های نوین در منطقه غرب آسیا در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۵ میلادی است. نمونه پژوهش شامل دو جبهه‌بندی مذکور می‌باشد.

ساختار مقاله

پژوهش حاضر در هفت بخش اصلی سامان یافته است: مقدمه، مفهوم‌شناسی و مبانی قرآنی تولی و تبری، طراحی چارچوب سنجش (سطوح و شاخص‌های قرآنی)، جبهه‌بندی‌های نوین منطقه‌ای در غرب آسیا، کاربرست چارچوب قرآنی در سنجش جبهه‌بندی‌ها، بحث و تحلیل، و نتیجه‌گیری.

۱. مفهوم‌شناسی و مبانی قرآنی تولی و تبری

تبیین دقیق هر پژوهشی در گرو واکاوی مفاهیم بنیادین آن است. بر این اساس، در گام نخست به ریشه‌یابی لغوی و تعریف اصطلاحی «تولی» و «تبری» پرداخته، سپس مهم‌ترین آیات و تفاسیر مرتبط با این دو آموزه را بر اساس روش تفسیر موضوعی دسته‌بندی و تحلیل می‌کنیم. در ادامه، نظریه سه‌سطحی تولی و تبری (اعتقادی، رفتاری، سیاسی) تشریح شده و قیود قرآنی حاکم بر آن‌ها (تقیه، عدالت، مصلحت، اضطراب) بررسی می‌گردد. در پایان این بخش، دیدگاه‌های فقهی تفسیری مخالف (مانند جواز عادی‌سازی با استناد به صلح حدیبیه) نقل و نقد می‌شود تا تصویری جامع و غیریک‌سویه از مبانی ارائه گردد.

۱-۱. ریشه‌شناسی لغوی

«تولی» مصدر باب تفعّل از ریشه «ول ی» است. در کتب کهن لغت عربی، معانی متعددی برای این واژه ذکر شده است. خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب العین، «ولی» را به معنای قرب و دنوّ آورده است (فراهیدی، ۱۴۰۵ق). ابن فارس در معجم مقاییس اللغة، اصل معنای «ولی» را «قرب و دنوّ» می‌داند و معانی فرعی چون دوستی، نصرت، و سرپرستی را از همین اصل مشتق می‌شمارد (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج. ۶، ص. ۱۲۳). جوهری در الصحاح نیز «تولی» را به معنای «پذیرش ولایت و دوست گرفتن» ثبت کرده است (جوهری، ۱۴۰۷ق). فیومی در المصباح المنیر، «تولی» را به معنای «به کار کسی پرداختن، قبول ولایت، پیروی کردن و محبت و دوستی» ذکر کرده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، صص. ۴۷-۴۶). ریشه «ولی» در قرآن کریم بیش از ۱۲۴ بار در اشکال مختلف به کار رفته است که طیفی از معانی «دوست»، «یار»، «سرپرست»، «حاکم» و «متولی امر» را دربرمی‌گیرد.

«تبری» نیز مصدر باب تفعّل از ریشه «ب ر ا» به معنای «بیزاری جستن، بیزار شدن» است. خلیل بن احمد در کتاب العین، «برء» را به معنای «خلق کردن و بیزاری جستن» آورده است. ابن فارس در مقاییس اللغة، اصل معنای «برء» را «خروج از چیزی و مفارقت از آن» می‌داند (ابن فارس، ۱۹۷۹). فیومی در المصباح المنیر، «تبرأ» را به معنای «تنزّه و تباعد» ذکر کرده است (فیومی، ۱۴۱۴ق). ریشه «برء» در قرآن ۲۸ بار آمده که اغلب در معنای «خلق کردن» و «بیزاری جستن» به کار رفته است. تفاوت «تبری» با مفاهیمی چون «کراهت» یا «بغض» در آن است که تبرّی جنبه اعلامی و عملی دارد، نه صرف یک حالت درونی.

۲-۱. تعریف اصطلاحی

«تولی» در اصطلاح قرآنی و کلامی، به معنای دوستی با خداوند و دوستان او - شامل پیامبران، امامان معصوم (در نگاه شیعه)، صالحان و مؤمنان راستین - و پذیرش ولایت و سرپرستی آنان است (فتح‌الله، ۱۴۲۸ق، ص. ۱۳۰). این پذیرش صرفاً عاطفی نیست، بلکه مستلزم اطاعت و عمل نیز می‌باشد.

«تبری» نیز اعلام بیزاری از دشمنان خدا، انبیا و اولیای الهی، خصوصاً کسانی که با مسیر هدایت الهی در تقابل باشند و در صدد اذیت و آزار مؤمنان برآیند (اندیشه و عابدی، ۱۳۹۸، صص. ۷۵-۹۴). به عبارت دیگر، تولی و تبری دو روی یک حقیقت هستند: نمی‌توان به خدا و اولیای او عشق ورزید اما نسبت به دشمنان آنان بی تفاوت بود.

۳-۱. مهم‌ترین آیات و تفاسیر مرتبط

از رهگذر جستجوی جامع واژگان قرآنی «ولی»، «ولایت»، «تبری» و «برائت» و مشتقات آن‌ها در سراسر قرآن کریم، و مراجعه به تفاسیر کهن و معاصر - از جمله تفسیر طبری (طبری، ۱۴۱۲ق)، تفسیر قرطبی (قرطبی، ۱۴۱۲ق)، تفسیر ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق)، المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)، نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)، فی ظلال القرآن (قطب، ۱۴۲۵ق) و المنار (رشیدرضا، ۱۳۶۷ق) - مهم‌ترین آیات در یازده دسته قابل تقسیم‌بندی هستند:

۱. تبری از مشرکان و دشمنان خدا (ممتحنه: ۴)؛ الگوی ابراهیمی تبری. طبری در تفسیر خود، این آیه را اساس برائت از مشرکان می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۲۸، ص. ۶۷). طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۱۹، صص. ۲۵۶-۲۵۴).

۲. نهی از تولی کفار (آل عمران: ۲۸)؛ جواز تقیه در شرایط خاص. قرطبی در ذیل این آیه، به تفصیل به بحث تقیه پرداخته است (قرطبی، ۱۴۱۲ق، ج. ۴، ص. ۶۸). طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۳، صص. ۱۸۲-۱۷۹).

۳. قاعده کلان «نفی سیل» (نساء: ۱۴۱)؛ نفی هر گونه سلطه کافران بر مؤمنان. ابن کثیر در تفسیر خود، این آیه را مبنای منع سلطه‌پذیری مسلمانان دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج. ۲، ص. ۴۲۵). طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۵، صص. ۱۱۷-۱۱۶).

۴. تولی مؤمنان به یکدیگر (مائده: ۵۵ و توبه: ۷۱)؛ ولایت الهی و مؤمنان. طبری در تفسیر آیه ولایت، به نزول آن در شأن امام علی (ع) اشاره کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۶، ص. ۲۸۶). طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۶، صص. ۲۰-۱۶؛ ج. ۹، ص. ۳۹۵).

۵. شدت نهی از تولی کفار (مجادله: ۲۲)؛ حتی با نزدیک‌ترین خویشاوندان. قرطبی در ذیل این آیه، بر عدم جواز مودت با دشمنان خدا تأکید کرده است (قرطبی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۷، ص. ۲۹۴). طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۱۹، ص. ۲۰۰).

۶. نفی وحدت وجودی با مشرکان (کهف: ۵۰)؛ هشدار درباره جانشین بد برای ولایت الهی. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۱۳، صص. ۲۷۶-۲۷۴).

۷. حصر ولایت در خداوند (شوری: ۹)؛ هرگونه ولایت دیگر در چارچوب ولایت الهی. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۱۸، صص. ۵۴-۵۳).

۸. نهی از ابراز مودت به دشمنان خدا (ممتحنه: ۱)؛ حتی اگر از روی تقیه نباشد. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج. ۱۹، صص. ۲۵۱-۲۴۸).

۹. برائت از مشرکان در سوره توبه (برائت)؛ آغاز سوره با اعلام برائت خدا و رسول از مشرکان. ۱۰. نهی از اتخاذ کافران به عنوان اولیاء (نساء: ۱۴۴)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «ای مؤمنان، کافران را به جای مؤمنان، دوست مگیرید».

۱۱. پرهیز از تولی شیطان (کهف: ۵۰ و حج: ۴)؛ هشدار درباره تولی شیطان به جای خداوند.

۴-۱. قرآن و مراتب سه‌گانه تولی و تبری (قلبی، لسانی و عملی)

پیش از طرح نظریه سه‌سطحی (اعتقادی، رفتاری، سیاسی) که در این پژوهش برای تحلیل جبهه‌بندی‌های سیاسی طراحی شده، شایسته است به مراتب سه‌گانه تولی و تبری در منابع اسلامی اشاره شود که این نظریه ریشه در آن دارد. توگّا و تبرّا دارای سه مرتبه است: قلبی، زبانی و عملی. مرتبه قلبی توگّا و تبرّا آن است که انسان قلباً خدا و پیامبر (ص) و اولیای خدا را دوست داشته باشد و از دشمنان آنان بیزار باشد. این مرتبه، اساسی‌ترین مرتبه توگّا و تبرّا محسوب می‌شود؛ زیرا قلب انسان کانون محبت و نفرت اوست و این مرتبه، پایه و اساس مراتب دیگر توگّا و تبرّا به شمار می‌آید.

مرتبه زبانی توگّا و تبرّا، اظهار دوستی خدا و اولیای او به زبان است. کسی که به محبوبي عشق می‌ورزد، برای بیان عشق و محبت خود، هیچ فرصتی را از دست نمی‌دهد.

مرتبه عملی توگّا و تبرّا، تجلّی عملی این دوستی و دشمنی در رفتار و کردار انسان است. این مرتبه، عالی‌ترین سطح توگّا و تبرّا محسوب می‌شود که در آن، مؤمن در عمل به یاری دوستان خدا شتافته و از همکاری با دشمنان خدا اجتناب می‌ورزد.

این مراتب سه گانه، مبانی نظریه سه سطحی این پژوهش (اعتقادی، رفتاری، سیاسی) را شکل می دهند. سطح اعتقادی در این پژوهش، متناظر با مرتبه قلبی؛ سطح رفتاری، متناظر با مرتبه زبانی و عملی؛ و سطح سیاسی، به عنوان عالی ترین سطح که تجلّی جمعی و ساختاری تولی و تبری است، برآمده از مرتبه عملی در مقیاس اجتماعی و سیاسی می باشد.

۱-۵. قرآن و سطوح سه گانه تولی و تبری

بر اساس تحلیل آیات مذکور و برداشت مفسران بزرگ، سه سطح متفاوت از تولی و تبری قابل بازشناسی است:

سطح اول: تولی و تبری اعتقادی (حب و بغض فی الله)

مؤمن با تمام وجود دوستدار خداست و نسبت به دشمنان خداوند بغض دارد. این سطح هیچ استثنایی بردار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۴۵-۳۴۶؛ رشیدرضا، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۲۵۴؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۶۳۲). مبنای قرآنی: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ... يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ» (مجادله: ۲۲)؛ «هیچ گروهی را نمی یابی که به خدا ایمان آورده باشند... در حالی که با دشمنان خدا دوستی کنند».

سطح دوم: تولی و تبری رفتاری (همکاری با مؤمنان و عدم همکاری با کافران)

مؤمن موظف است در عمل با دوستان خدا همکاری کرده و از همکاری با دشمنان خدا اجتناب ورزد، مگر در موارد استثنایی تقيه. مبنای قرآنی: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ... إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸)؛ «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان، دوست بگیرند... مگر اینکه از آنان بپرهیزید (تقيه کنید)». طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۱) بر «اتیان و ترک فعل» تأکید دارد؛ یعنی تولی رفتاری شامل اقدام عملی در جهت نصرت است..

سطح سوم: تولی و تبری سیاسی (ولایت پذیری از حاکمیت های اسلامی و تبری از حاکمیت های طاغوتی)

عالی ترین سطح که مؤمنان نه فردی، بلکه به عنوان «امت» در برابر دو جبهه جهانی «حزب الله» و «حزب الشیطان» قرار می گیرند. آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (مائده: ۵۵)؛ «سرپرست شما فقط خدا و پیامبر او و کسانی اند که ایمان آورده اند». ناظر به این سطح است؛ تفکیک میان «ولایت به معنای دوستی عادی» و «ولایت به معنای سرپرستی و حاکمیت» و تأکید بر سطح سیاسی ولایت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۹).

دستاورد کلیدی: تولی و تبری در قرآن یک مفهوم تک بعدی و صرفاً عاطفی نیست، بلکه شبکه‌ای سه سطحی از باور، عمل و ساختار سیاسی را دربرمی گیرد. سطح سوم به دلیل ماهیت ولایت محور خود، عمیق ترین پیوند را با تحلیل جبهه بندی های نوین منطقه ای دارد.

۶-۱. عوامل تأثیرگذار و قیود قرآنی

قرآن در عین تأکید بر اصل تولی و تبری، قیود و استثنائاتی را ذکر کرده است. این قیود در داوری نهایی نقش تعیین کننده ای دارند:

- **تقیه** («إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً»؛ آل عمران: ۲۸ و نحل: ۱۰۶)؛ «مگر اینکه از آنان بپرهیزید (تقیه کنید)»: مجوز مدارا در برابر خطر جانی. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۱) بر «اخراج از حکم اولیه» در شرایط ضروری تأکید دارد. شرط اساسی: مؤمن در دل به کفر تمایل پیدا نکند.
- **عدالت** («اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»؛ مائده: ۸)؛ «عدالت بورزید که به تقوا نزدیک تر است» حتی نسبت به دشمنان نیز الزامی است. مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۰۸) می نویسد: «عدالت، مرز تولی و تبری است. مؤمن حق ندارد به بهانه دشمنی با کفار، به آنان ظلم کند یا حقوق انسانی آنان را نادیده گیرد».

- **مصلحت** (قاعده «تصرف الامام علی الرعیة منوط بالمصلحة»): حاکم اسلامی می تواند موقتاً از الزامات تبری شدید تعدیل کند.

- **اضطرار** («فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ»؛ بقره: ۱۷۳)؛ «پس هر که ناچار شود، در حالی که سرکش و متجاوز نباشد»: قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» در سطوح رفتاری و سیاسی جاری است، نه در سطح اعتقادی. شرط آن «عدم بغی و عدوان» (تجاوز و سرکشی) است.

در فقه سیاسی معاصر، بحث از «اضطرار کلان» محل اختلاف است. برخی فقیهان بر این باورند که دولت ها نیز مانند افراد می توانند در شرایط اضطرار ملی از برخی احکام ثانویه عدول کنند، اما مشروط به اینکه اضطرار واقعی، غیرقابل پیشگیری و موقت باشد. این پژوهش این شرط را به طور متقارن برای هر دو جبهه اعمال کرده است.

۷-۱. بررسی دیدگاه های فقهی تفسیری مخالف در جواز عادی سازی با اسرائیل

برای پرهیز از یک سو به ننگاری، دیدگاه های مخالف نقل و سپس نقد می شوند. برخی از فقیهان و مفسران معاصر اهل سنت، به ویژه یوسف قرضاوی (۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۱۵۶) عادی سازی با رژیم صهیونیستی را در چارچوب «صلح حدیبیه» و «مصلحت امت» جایز دانسته اند.

استدلال موافقان عادی سازی (مخالفان رویکرد این پژوهش) بر چهار پایه استوار است:

۱. آیه صلح (انفال: ۶۱) که صلح با دشمن را مجاز می‌شمارد.

۲. سیره نبوی در صلح حدیبیه.

۳. قاعده اضطرار در مقیاس کلان.

۴. تفکیک میان «یهودیان معاصر» و «بنی اسرائیل زمان موسی».

نقد این دیدگاه در چارچوب قرآن محور این پژوهش:

نقد اول (آیه صلح): «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال: ۶۱)؛ «اگر به صلح گراییدند، تو نیز بدان گرای»؛ مربوط به «صلح موقت در میدان جنگ» (هدنه) است، نه صلح دائم. عادی سازی با اسرائیل به رسمیت شناختن یک رژیم اشغالگر و ناقض حقوق ملت فلسطین است و مصداق «تقویت دشمن علیه مسلمانان» می‌باشد. فقیهان بزرگ تصریح کرده‌اند که صلح با کافران تا زمانی جایز است که به ضرر مسلمانان نباشد.

نقد دوم (صلح حدیبیه): صلح حدیبیه با مشرکانی بسته شد که نه زمین کسی را غصب کرده بودند و نه مرتکب نسل کشی شده بودند. در مقابل، رژیم صهیونیستی بر اساس گزارش‌های سازمان ملل (از جمله قطعنامه ۲۳۳۴، ۲۰۱۶ و گزارش‌های کمیسیون عالی حقوق بشر در ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴) مرتکب «جنایات جنگی، اشغال، شهرک سازی غیرقانونی و آپارتاید» شده است. قیاس این دو، قیاس مع الفارق است. افزون بر این، صلح حدیبیه یک هدنه موقت (حداکثر ۱۰ سال) بود، در حالی که عادی سازی به دنبال روابط دائمی است.

نقد سوم (قاعده اضطرار): قاعده اضطرار برای کشورهای عربی خلیج فارس در زمان امضای پیمان (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱) صادق نیست. گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱) هیچ شاخص «فروپاشی دولتی»، «قحطی» یا «جنگ فراگیر» را برای امارات و بحرین ثبت نکرده است. شرط «عدم امکان دفع خطر به شیوه دیگر» نیز نقض می‌شود، زیرا جایگزین‌هایی چون تقویت توان دفاعی یا دیپلماسی با ایران وجود داشت. بنابراین عادی سازی از روی اختیار صورت گرفته، نه اضطرار.

نقد چهارم (تفکیک یهودیان معاصر و بنی اسرائیل قرآنی): آیاتی که یهودیان را به عنوان «دشمنان خدا» (مائده: ۵۱، مائده: ۸۲، بقره: ۹۹-۹۶) یاد کرده‌اند، ناظر به صفات ذاتی قوم یهود نیست، بلکه ناظر به «اعمال ظالمانه و نقض عهد» است. از آنجا که رژیم اسرائیل امروز نیز مرتکب همین اعمال می‌شود، مصداق همان صفات نکوهیده است. به تعبیر طباطبائی (المیزان، ۱۴۱۷ق، ج ۴،

ص ۴۲)، «ذم یهود در قرآن به خاطر عناد و ستیز با انبیا و تحریف کتب آسمانی است؛ و این صفات در کسانی از یهودیان امروز که همچنان بر همان روش باقی هستند، نیز موجود است».

جمع‌بندی نقد: دیدگاه جواز عادی‌سازی با استناد به صلح حدیبیه و اضطرار، هم از نظر منطق قرآنی و هم تطبیق با شرایط عینی پیمان ابراهیم قابل دفاع نیست، مگر در شرایط اضطرابی واقعی و موقتی که اثبات آن بر عهده مدعی است و در پیمان ابراهیم احراز نشده است. از این رو، موضع این پژوهش (عدم جواز عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی) از پشتوانه قرآنی و منطقی محکم‌تری برخوردار است.

۲. طراحی چارچوب سنجش: سطوح و شاخص‌های قرآنی

پس از تبیین مفهوم‌شناسی و مبانی قرآنی تولی و تبری، اکنون گام اصلی پژوهش یعنی عملیاتی‌سازی این آموزه‌ها در قالب یک چارچوب سنجش برداشته می‌شود. مقصود از «چارچوب سنجش» آن است که شاخص‌های عینی و قابل‌ارزیابی از آیات و تفاسیر استخراج گردد تا بر اساس آن، جبهه‌بندی‌های سیاسی نظامی نوین را مورد داوری قرار داد. این چارچوب مبتنی بر نظریه سه‌سطحی مطرح‌شده (اعتقادی، رفتاری، سیاسی) طراحی می‌شود و در هر سطح، شاخص‌هایی با استناد به آیات و کتب تفسیری معتبر ارائه می‌گردد. فرایند استخراج شاخص‌ها در قالب جدولی شفاف و با ذکر منطق استنتاج و سنجه عملیاتی ارائه می‌شود. همچنین تعامل سطوح با قیود چهارگانه (تقیه، مصلحت، اضطرار، عدالت) تشریح می‌گردد.

۲-۱. اصل کلیدی: از مفهوم تا شاخص

برای تبدیل مفاهیم انتزاعی قرآنی به شاخص‌های قابل سنجش، از روش تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده شده است. بدین معنا که هر آیه یا دسته‌ای از آیات که به «تولی» یا «تبری» امر یا نهی می‌کند، به چند پرسش عینی تبدیل می‌شود: آیا در جبهه‌بندی مورد نظر، رابطه دوستی و حمایت با مؤمنان برقرار است؟ آیا اعلام بیزاری از دشمنان خدا وجود دارد؟ آیا سلطه کافران بر مؤمنان شکل گرفته است؟ و سپس هر پرسش به صورت یک شاخص دوجوهی (مثبت برای تولی، منفی برای تبری) تعریف می‌گردد.

طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸) در مقدمه المیزان بر ضرورت «ارجاع مفاهیم قرآنی به مصادیق عینی» تأکید می‌کند. این رهنمود، مبنای روش‌شناختی طراحی شاخص‌ها در این پژوهش قرار گرفته است.

در ادامه، فرایند استخراج شاخص‌ها در جدول ۱ شفاف‌سازی شده است. این جدول نشان می‌دهد که هر شاخص از کدام آیه و تفسیر استخراج شده، منطق استنتاج چیست و سنجه عملیاتی آن کدام است.

جدول ۱: فرایند استخراج شاخص‌های قرآنی از آیات و تفاسیر (۱۱ شاخص)

ردیف	سطح	شاخص	مستند قرآنی (آیه + تفسیر)	سنجه عملیاتی
۱	اعتقادی	اعلام دوستی با خدا و رسول	مائده: ۵۵ + المیزان ج ۶ ص ۲۰-۱۷	التزام به خدا و پیامبر در قوانین و بیانیه‌ها
۲	اعتقادی	اعلام بغض به دشمنان خدا	ممتحنه: ۴ + نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۰	شعارهای «مرگ بر آمریکا/اسرائیل»
۳	اعتقادی	عدم تولی قلبی به کافران	مجادله: ۲۲ + المیزان ج ۱۹ ص ۲۰۰-۲۰۲	عدم تمجید از رهبران کافر
۴	رفتاری	همکاری نظامی با مؤمنان	توبه: ۷۱ + المیزان ج ۹ ص ۳۹۵	پشتیبانی لجستیکی/اطلاعانی در بحران‌ها
۵	رفتاری	عدم همکاری با کافران (به جز تقيه)	آل عمران: ۲۸ + المیزان ج ۳ ص ۱۷۹-۱۸۲	عدم امضای پیمان نظامی با آمریکا/اسرائیل
۶	رفتاری	اعلام عملی برائت	ممتحنه: ۴ + نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۳	تحریم اقتصادی/قطع روابط با دشمنان
۷	رفتاری	پرهیز از سلطه‌پذیری	نساء: ۱۴۱ + المیزان ج ۵ ص ۱۱۶-۱۱۷	عدم استقرار پایگاه نظامی خارجی
۸	سیاسی	پذیرش ولایت اسلامی	مائده: ۵۵ + المیزان ج ۶ ص ۱۹	حاکمیت مبتنی بر شریعت و رهبری دینی

۹	سیاسی	عدم پذیرش ولایت کافران	نساء: ۱۴۴ + المنار ج ۵ ص ۴۳۳	عدم تبعیت از ناتو/ شورای امنیت سلطه گر
۱۰	سیاسی	اعلام برائت از طاغوت	بقره: ۲۵۷ + فی ظلال ج ۱ ص ۴۲۳	نامیدن رژیم اسرائیل/ آمریکا به عنوان طاغوت
۱۱	سیاسی	نفی سبیل ساختاری	نساء: ۱۴۱ + المیزان ج ۵ ص ۱۱۷	ابزارهای قانونی جلوگیری از نفوذ خارجی

۲-۲. سطح اول: شاخص‌های تولی و تبری اعتقادی

این سطح به باورها، نیت‌ها و عواطف قلبی بازمی‌گردد. اگرچه سنجش مستقیم نیت دشوار است، اما می‌توان از شاخص‌های غیرمستقیم مانند بیانیه‌های رسمی، شعارها و متون دینی وضعیت اعتقادی را تخمین زد. سه شاخص اعتقادی طراحی شده است:

۱. اعلام دوستی با خدا و رسول (مستند به آیه مائده: ۵۵ با تفسیر علامه طباطبائی (۱۴۱۷ق)، ج ۶، ص ۱۷ و ۲۰). سنجه: بررسی قانون اساسی، بیانیه‌های مؤسس، سرودهای رسمی از نظر وجود عبارت‌هایی چون «بسم الله»، «لا اله الا الله».

۲. اعلام بغض و دشمنی با دشمنان خدا (مستند به آیه ممتحنه: ۴ با تفسیر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۰). سنجه: وجود شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل» در فرهنگ رسمی جبهه.

۳. عدم تولی قلبی به کافران (مستند به آیه مجادله: ۲۲ با تفسیر طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۰۰ و ۲۰۲). سنجه: نبود نشانه‌هایی از محبت یا تحسین دشمنان خدا (بزرگداشت رهبران کفر، تمجید از شخصیت‌های غربی یا اسرائیلی).

نکته روش‌شناختی: سنجش سطح اعتقادی در یک جبهه‌بندی جمعی با درجه‌ای از عدم قطعیت همراه است. از این رو، در این پژوهش، شاخص‌های اعتقادی به عنوان «چارچوب مرجع» و نه «معیار قطعی» به کار می‌روند و وزن کمتری نسبت به دو سطح بعدی دارند (ضریب ۰٫۲ در مقابل ۰٫۴ برای سطوح رفتاری و سیاسی).

۲-۳. سطح دوم: شاخص‌های تولی و تبری رفتاری

این سطح ناظر بر اقدامات عینی و عملی است. قرآن در این سطح، استثنای تقیه را مجاز شمرده؛ بنابراین در ارزیابی باید به دنبال «رفتار غالب» و «رفتار در شرایط غیراضطرار» بود. چهار شاخص رفتاری طراحی شده است:

۱. همکاری نظامی و امنیتی با مؤمنان (توبه: ۷۱ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۹۵). سنجه: پشتیبانی لجستیکی، تسلیحاتی یا اطلاعاتی در بحران‌ها؛ رزمایش‌های نظامی مشترک.
 ۲. عدم همکاری با کافران غیر از موارد تقیه (آل عمران: ۲۸ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۷۹ (۱۸۲). سنجه: عدم امضای پیمان نظامی یا امنیتی با آمریکا، ناتو، رژیم اسرائیل.
 ۳. اعلام عملی براءت (ممتحنه: ۴ + مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۳). سنجه: تحریم اقتصادی یا قطع روابط دیپلماتیک با دشمنان خدا.
 ۴. پرهیز از سلطه‌پذیری (نفی سبیل عملی) (نساء: ۱۴۱ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۶ (۱۱۷). سنجه: عدم استقرار نیروهای نظامی خارجی کافر در خاک اعضای جبهه.
- تبصره مهم؛ در صورتی که یک جبهه در شرایط اضطرار (تهدید وجودی، اشغال، تحریم‌های کمرشکن) ناچار به همکاری ظاهری با کفار شود، آن همکاری لزوماً به معنای نقض تبری رفتاری نیست، مشروط بر اینکه از روی اختیار و پذیرش ولایت باطنی نباشد. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۱) تأکید می‌کند: «این استثنا، اصل حرمت را نقض نمی‌کند، بلکه صرفاً برای رفع ضرر موقت است». معیار «صدق اضطرار» در بخش ۵ به طور متقارن بر هر دو جبهه اعمال خواهد شد.

۲-۴. سطح سوم: شاخص‌های تولی و تبری سیاسی

این سطح به ساختار حاکمیت، ولایت‌پذیری و تبعیت از نظام‌های سیاسی بازمی‌گردد. مهم‌ترین آیه، مائده: ۵۵ است که «ولی» را منحصر به خدا، رسول و «الذین آمنوا» می‌کند. در این پژوهش، از تعریف حداقلی «پذیرش حاکمیت مبتنی بر اسلام و عدم پذیرش حاکمیت طاغوتی» استفاده می‌شود. چهار شاخص سیاسی طراحی شده است:

۱. پذیرش ولایت حاکمیت اسلامی (تولی سیاسی مثبت) (مائده: ۵۵ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۹). سنجه: حاکمیت مبتنی بر شریعت؛ حضور رهبری دینی در ساختار قدرت.
۲. عدم پذیرش ولایت کافران (تبری سیاسی منفی) (نساء: ۱۴۴ + رشیدرضا، ۱۳۶۷ق، ج ۵، ص ۴۳۳). سنجه: عدم تبعیت محض از سازمان‌های بین‌المللی تحت سلطه کفار (ناتو، شورای امنیت با حق و توی آمریکا).

۳. اعلام براءت از طاغوت و نظام‌های کفر (بقره: ۲۵۷ + قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۲۳). سنجه: نامیدن نظام‌های کفر (رژیم صهیونیستی، نظام‌های سکولار متحد با استکبار) به عنوان «طاغوت» در مواضع رسمی.

۴. نفی سلطه کافران در ساختار سیاسی (نفی سبیل ساختاری) (نساء: ۱۴۱ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۷). سنجه: وجود ابزارهای قانونی برای جلوگیری از نفوذ خارجی؛ نبود حق وتو یا نفوذ خارجی در تصمیمات کلان.

۲-۵. تعامل سطوح و قیود

ارزیابی یک جبهه‌بندی سیاسی نیازمند نگاه ترکیبی است. یک جبهه ممکن است در سطح اعتقادی قوی باشد، اما در سطح رفتاری به دلیل اضطرار ناچار به همکاری تاکتیکی با کفار باشد. در چنین وضعیتی، قاعده تقیه و مصلحت می‌تواند مانع از صدور حکم قطعی به «عدم التزام به تبری» شود.

از سوی دیگر، اصل عدالت (مأئده: ۸) همواره به عنوان یک قید فرادست عمل می‌کند: حتی تبری از دشمنان خدا، هرگز مجوز ستم یا تعدی به آنان نیست. مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۰۸) می‌نویسد: «عدالت، مرز تولی و تبری است. مؤمن حق ندارد به بهانه دشمنی با کفار، به آنان ظلم کند». بنابراین در ارزیابی نهایی، هر جبهه‌بندی که مرتکب نقض فاحش عدالت شود، اعتبار عملی تبری آن خدشه‌دار می‌شود.

چارچوب نهایی سنجش یک ماتریس سه‌بعدی است که در آن:

- بعد اول: «سطح» (اعتقادی، رفتاری، سیاسی) - با ضریب اهمیت متفاوت (۰٫۲، ۰٫۴، ۰٫۴)
- بعد دوم: «جهت» (تولی مثبت / تبری منفی)
- بعد سوم: «قیود» (تقیه، مصلحت، اضطرار، عدالت)

هر جبهه‌بندی پس از گردآوری داده‌های عینی، بر روی هر شاخص درجه‌بندی می‌شود (قویاً منطبق = ۲، منطبق = ۱، تا حدی منطبق = ۰، غیر منطبق = ۱، شدیداً غیر منطبق = ۲). سپس با در نظر گرفتن قیود (که می‌توانند نمره را تعدیل کنند)، نمره نهایی محاسبه و داوری نسبی ارائه می‌گردد.

۲-۶. جمع‌بندی شاخص‌ها

برای سهولت در کاربست این چارچوب در بخش‌های بعدی، شاخص‌های یازده گانه در قالب فهرستی منظم بازگو می‌شوند:

سطح اعتقادی (۳ شاخص):

۱. اعلام دوستی با خدا و رسول (مائده: ۵۵ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۷) (۲۰)
 ۲. اعلام بغض و دشمنی با دشمنان خدا (ممتحنه: ۴ + مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۰)
 ۳. عدم تولی قلبی به کافران (مجادله: ۲۲ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۰۲۲۰۰) سطح رفتاری (۴ شاخص):
 ۴. همکاری نظامی و امنیتی با مؤمنان (توبه: ۷۱ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۹۵)
 ۵. عدم همکاری با کافران غیر از موارد تقیه (آل عمران: ۲۸ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۷۹)
 ۶. اعلام عملی براءت (ممتحنه: ۴ + مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۳)
 ۷. پرهیز از سلطه پذیری (نساء: ۱۴۱ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۶۱۱۷) سطح سیاسی (۴ شاخص):
 ۸. پذیرش ولایت حاکمیت اسلامی (مائده: ۵۵ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۹)
 ۹. عدم پذیرش ولایت کافران (نساء: ۱۴۴ + رشیدرضا، ۱۳۶۷ق، ج ۵، ص ۴۳۳)
 ۱۰. اعلام براءت از طاغوت (بقره: ۲۵۷ + قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۲۳)
 ۱۱. نفی سبیل ساختاری (نساء: ۱۴۱ + طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۷)
- قیود چهارگانه: تقیه، مصلحت، اضطرار، عدالت - که در ارزیابی نهایی به طور متقارن بر هر دو جبهه اعمال می شوند.

۳. جبهه بندی های نوین منطقه ای در غرب آسیا: معرفی دو مطالعه موردی

پس از طراحی چارچوب سنجش مبتنی بر مبانی قرآنی تولی و تبری، اکنون دو جبهه بندی متقابل و تعیین کننده در نظم نوین منطقه غرب آسیا معرفی می گردند. انتخاب «محور مقاومت» و «پیمان ابراهیم» از آن جهت حائز اهمیت است که نه تنها نماینده دو قطب متضاد در معادلات منطقه ای هستند، بلکه هر یک به نوعی خود را بر پایه ارزش های دینی تعریف کرده یا از سوی مخالفان با مفاهیمی چون «ولایت پذیری» یا «تولی کفار» ارزیابی می شوند.

۳-۱. محور مقاومت: جبهه تولی عملی

تعریف و اعضاء:

«محور مقاومت» اصطلاحی است برای اشاره به شبکه ای از بازیگران دولتی و غیردولتی در غرب آسیا که با رهبری جمهوری اسلامی ایران، در برابر سلطه خارجی، استعمار و اشغالگری - به ویژه از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی - مقاومت می کنند (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۰؛ Azizi, ۲۰۲۶).

۱۲p). اعضای اصلی عبارتند از: جمهوری اسلامی ایران، سوریه (دوره اسد)، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، گروه‌های مقاومت عراق (حشد شعبی)، و انصارالله یمن، و همچنین **لشکر فاطمیون (نیروهای مقاومت افغانستانی)** که در کنار دیگر گروه‌ها در این چارچوب تعریف می‌شوند (شاپوری، ۱۴۰۱، ص ۴۵).

ایدئولوژی و اهداف:

تلفیقی از امپریالیسم ستیزی، صهیونیسم ستیزی و اسلام گرایی شیعی با رهبری ولایت فقیه. هدف اعلامی، هماهنگی برای طرد اشغالگری و احقاق حقوق ملت فلسطین است. از منظر ژئوپلیتیک، این محور همچنین ابزاری برای تضمین امنیت ملی و بازدارندگی راهبردی ایران در برابر تهدیدات آمریکا و اسرائیل محسوب می‌شود (شاپوری، ۱۴۰۱، ص ۱۶۱؛ Azizi, ۲۰۲۶، p58) اقدامات عملی برجسته (تا ۲۰۲۶):

- حمایت تسلیحاتی و مالی ایران از گروه‌های مقاومت (موشک‌های بالستیک و پهپاد برای انصارالله و حزب الله).
- هماهنگی نظامی در بحران سوریه با حضور حزب الله و گروه‌های عراقی.
- جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵.
- حملات مشترک یمن، ایران و حزب الله علیه اهداف اسرائیل در آوریل ۲۰۲۶ (پیرمحمدی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۶۵).

نسبت با مبانی قرآنی:

محور مقاومت خود را بر پایه اصولی چون نفی سلطه کافران (نساء: ۱۴۱) و تبری از دشمنان خدا (ممتحنه: ۴) تعریف می‌کند. چنانکه در تفسیر «درس‌هایی از قرآن» نیز بر «نفی سلطه‌ی کافران بر اهل ایمان» و «تولی و تبری» به‌عنوان اصول قرآنی تأکید شده است. (قرآنی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱۳) شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» مصادیق عینی تبری عملی هستند که در گفتمان این جبهه، اعلام تنفر از دشمنان دین به شمار می‌رود. ولایت‌پذیری از رهبری ایران در چارچوب نظریه ولایت فقیه، تولی سیاسی مثبت تلقی می‌شود (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۰).

۳-۲. پیمان ابراهیم: جبهه عادی‌سازی

تعریف و اعضا:

پیمان ابراهیم مجموعه‌ای از توافقنامه‌های عادی‌سازی روابط دیپلماتیک میان رژیم صهیونیستی و چند کشور عربی و مسلمان است که با میانجی‌گری آمریکا در دوره ترامپ انجام شد. اعضای اصلی: امارات متحده عربی (اوت ۲۰۲۰)، بحرین (سپتامبر ۲۰۲۰)، سودان (ژانویه ۲۰۲۱) و مراکش (دسامبر ۲۰۲۰) (شاه رضایی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۲). نام «ابراهیم» با اشاره به حضرت ابراهیم (ع) به عنوان پدر مشترک یهودیان و اعراب انتخاب شده است.

اهداف (اعلامی و راهبردی):

در سطح اعلامی: صلح، گسترش همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و فناوری، تبادل سفرا. در سطح راهبردی (بر اساس تحلیل‌های ژئوپلیتیک): ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران، اجرای استراتژی مهار آمریکا، و تغییر موازنه قدرت به نفع محور غرب (آمریکا-اسرائیل-امارات-عربستان) (آقاجانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۹۵).

دستاوردها و چالش‌ها (۲۰۲۰-۲۰۲۶):

تبادل سفیر، رشد مبادلات تجاری امارات-اسرائیل، همکاری امنیتی و اطلاعاتی علیه ایران. جنگ غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵) روابط را تحت فشار قرار داد اما به گزارش مؤسسه واشینگتن، این توافقنامه‌ها پابرجا ماندند. کارشناسان هشدار داده‌اند که بدون حل عادلانه مسئله فلسطین، این توافقنامه‌ها در معرض فرسایش هستند (Fakhro, ۲۰۲۴, p. ۱۷۸؛ پیرمحمدی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۷۲).

نسبت با مبانی قرآنی (از منظر مخالفان):

پیمان ابراهیم از سوی محور مقاومت و جریان‌های اسلامی مخالف عادی‌سازی، مصداق بارز «تولی کفار» (آل عمران: ۲۸) و نقض «نفی سبیل» (نساء: ۱۴۱) دانسته می‌شود. در مقابل، دولت‌های عادی‌ساز به مفاهیمی چون مصلحت، تقیه و جواز صلح با دشمن (صلح حدیبیه) استناد می‌کنند. این دو خوانش متضاد نشان می‌دهد که ارزیابی پیمان ابراهیم نیازمند کاربست دقیق چارچوب سه‌سطحی و اعمال مقارن قیود است.

۴. کاربست چارچوب قرآنی در سنجش جبهه‌بندی‌های نوین

پس از طراحی چارچوب (بخش ۳) و معرفی دو جبهه (بخش ۴)، اکنون ارزیابی نظام‌مند محور مقاومت و پیمان ابراهیم بر اساس شاخص‌های یازده گانه ارائه می‌شود. تمامی داوری‌ها مبتنی بر

داده‌های عینی تا سال ۲۰۲۶ است. در پایان، تأثیر قیود (تقیه، مصلحت، اضطرار، عدالت) به طور متقارن بررسی می‌گردد.

۴-۱. ارزیابی محور مقاومت

سطح اعتقادی (۳ شاخص):

- شاخص ۱ (اعلام دوستی با خدا و رسول): قویاً منطبق - بیانیه‌های رسمی با «بسم الله» و التزام به قرآن. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۷۲۰).

- شاخص ۲ (اعلام بغض به دشمنان خدا): قویاً منطبق - شعارهای مستمر «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل». مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۰).

- شاخص ۳ (عدم تولی قلبی به کافران): منطبق - هیچ سند روشنی از تحسین رهبران کافر وجود ندارد. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۰۲۰۲). همکاری‌های تاکتیکی گذشته (مانند برجام) در سطح اعتقادی تأثیری ندارد (جاسیز، ۲۰۲۳، ص ۱۵).

سطح رفتاری (۴ شاخص):

- شاخص ۴ (همکاری نظامی با مؤمنان): قویاً منطبق - حملات مشترک ۲۰۲۶، هماهنگی در سوریه و یمن. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۹۵).

- شاخص ۵ (عدم همکاری با کافران غیر از تقیه): تا حدی منطبق (با توجیه تقیه) - همکاری با روسیه (که «کافر حربی» نیست) و مذاکرات برجام با آمریکا در شرایط تحریم‌های کمرشکن. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۲۱۷۹). بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۲۵) کاهش ۴۰٪ ارزش ریال و تورم ۵۰٪، اضطرار جمعی احراز می‌شود.

- شاخص ۶ (اعلام عملی برائت): قویاً منطبق - قطع روابط ایران با اسرائیل، تحریم اقتصادی کالاهای اسرائیلی. مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۳).

- شاخص ۷ (پرهیز از سلطه‌پذیری): قویاً منطبق - عدم استقرار پایگاه نظامی خارجی در ایران، ممنوعیت قانونی هرگونه معاهده سلطه‌آمیز. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۶۱۱۷).

ارزیابی عدالت (قید فرادست):

بر اساس گزارش‌های سازمان ملل و عفو بین‌الملل، اتهاماتی نظیر محاصره شهر تعز توسط انصارالله، تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی در سوریه توسط حزب‌الله، و آتش زدن منازل توسط حشد شعبی وارد شده است. از آنجا که این اتهامات به طور قطعی اثبات نشده‌اند، به عنوان «کاهش‌دهنده اعتبار» لحاظ می‌شوند، اما نه به اندازه‌ای که کل ارزیابی را معکوس کنند.

سطح سیاسی (۴ شاخص):

• شاخص ۸ (پذیرش ولایت اسلامی): قویاً منطبق - نظام ولایت فقیه در ایران، تبعیت حزب الله از ولی فقیه. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۹).

• شاخص ۹ (عدم پذیرش ولایت کافران): قویاً منطبق - قانون اساسی ایران (اصول ۱۵۲ و ۱۵۴) نفی هر گونه رابطه سلطه جویانه با قدرت های استکباری. رشیدرضا (۱۳۶۷ق، ج ۵، ص ۴۳۳).

• شاخص ۱۰ (اعلام برائت از طاغوت): قویاً منطبق - خطبه های نماز جمعه و بیانیه های رسمی. قطب (۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۲۳).

• شاخص ۱۱ (نفی سبیل ساختاری): منطبق - وجود ابزارهای قانونی برای جلوگیری از نفوذ خارجی. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۷).

نمره نهایی محور مقاومت (پس از اعمال قیود):

از ۱۱ شاخص: ۸ شاخص قویاً منطبق، ۱ شاخص منطبق، ۱ شاخص تا حدی منطبق (با توجه تقيه)، و ۱ شاخص (عدالت) نیازمند احتیاط. همخوانی کلی: حدود ۷۲٪ (قوی تا متوسط).

۲-۴. ارزیابی پیمان ابراهیم

سطح اعتقادی (۳ شاخص):

• شاخص ۱ (اعلام دوستی با خدا و رسول): تا حدی منطبق (صوری) - کشورهای عضو در قانون اساسی خود اسلام را دین رسمی معرفی کرده اند، اما در متن پیمان و اقدامات عملی، التزام به شریعت نادیده گرفته شده است. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۷۰).

• شاخص ۲ (اعلام بغض به دشمنان خدا): شدیداً غیر منطبق - عادی سازی با رژیم صهیونیستی (که در قرآن دشمن خدا معرفی شده) و استقبال از رهبران اسرائیل. مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۰).

• شاخص ۳ (عدم تولی قلبی به کافران): شدیداً غیر منطبق - ابراز مودت عملی (دیدارهای رسمی، امضای قراردادها) مصداق «تُلَقُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه: ۱) است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۰۲).

سطح رفتاری (۴ شاخص):

• شاخص ۴ (همکاری نظامی با مؤمنان): غیر منطبق - همکاری نظامی با اسرائیل علیه ایران (که خود را مؤمن می داند). طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۹۵).

- شاخص ۵ (عدم همکاری با کافران): شدیداً غیرمنطبق - امضای پیمان نظامی و امنیتی با اسرائیل و آمریکا. طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۷۹، ۱۸۲.
- شاخص ۶ (اعلام عملی برائت): شدیداً غیرمنطبق - برقراری روابط دیپلماتیک و اقتصادی با اسرائیل، قطع روابط با ایران در برخی موارد. مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۳).
- شاخص ۷ (پرهیز از سلطه‌پذیری): شدیداً غیرمنطبق - استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در امارات و بحرین (ناوگان پنجم). طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۶، ۱۱۷).
- بررسی تقیه و اضطرار برای پیمان ابراهیم (با چارچوب یکسان):
- در زمان عادی‌سازی (۲۰۲۱، ۲۰۲۰)، گزارش بانک جهانی هیچ شاخص «فروپاشی دولتی»، «قحطی» یا «جنگ فراگیر» را برای امارات، بحرین و مراکش ثبت نکرده است.
- تهدید اصلی از سوی ایران بود، اما عادی‌سازی با اسرائیل نه دفع‌کننده آن تهدید، بلکه اقدامی علیه خود ایران بود.
- جایگزین‌هایی مانند دیپلماسی با ایران، تقویت توان دفاعی خود، یا ائتلاف با ترکیه و پاکستان وجود داشت.
- بنابراین استناد به تقیه یا اضطرار برای این جبهه معتبر نیست. قاعده مصلحت نیز در نظام‌های غیراسلامی نمی‌تواند مجوز نقض احکام قطعی قرآن باشد.
- ارزیابی عدالت:
- کشورهای عضو با فروش تسلیحات به اسرائیل (که در جنگ غزه ۲۰۲۳-۲۰۲۵ بیش از ۳۰,۰۰۰ غیرنظامی کشته شدند) در نقض حقوق بشر مشارکت داشته‌اند. برخی نیز در ائتلاف به رهبری آمریکا علیه یمن شرکت کردند. از منظر عدالت، وضعیت آنان بهتر از محور مقاومت نیست، بلکه در برخی موارد بدتر است.
- سطح سیاسی (۴ شاخص):
- شاخص ۸ (پذیرش ولایت اسلامی): غیرمنطبق - نظام‌های سلطنتی یا ریاستی سکولار با اولویت اطاعت از آمریکا و اسرائیل. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۹).
- شاخص ۹ (عدم پذیرش ولایت کافران): شدیداً غیرمنطبق - استقرار سفارت اسرائیل، همکاری امنیتی با موساد و سیا. رشیدرضا (۱۳۶۷ق، ج ۵، ص ۴۳۳).

- شاخص ۱۰ (اعلام براءت از طاغوت): شدیداً غیرمنطبق – هیچ اعلام براءتی از آمریکا و اسرائیل در اسناد رسمی پیمان. قطب (۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۲۳).
 - شاخص ۱۱ (نفی سیل ساختاری): شدیداً غیرمنطبق – وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا و پذیرش سلطه ساختاری. طباطبایی (۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۷).
- نمره نهایی پیمان ابراهیم (پس از اعمال قیود):
- از ۱۱ شاخص: ۱۰ شاخص شدیداً غیرمنطبق یا غیرمنطبق، ۱ شاخص (اعلام دوستی با خدا و رسول) تا حدی منطبق به صورت صوری. همخوانی منفی: حدود ۹۱٪ (در تضاد آشکار با مبانی قرآنی).

۵. بحث و تحلیل

در این بخش، نتایج ارزیابی دو جبهه در کنار هم قرار داده شده و از نظر روش‌شناختی، نظری و عملی تحلیل می‌شود.

۵-۱. مقایسه تطبیقی شاخص‌ها:

جدول زیر خلاصه نمرات هر جبهه را در سه سطح نشان می‌دهد:

سطح	محور مقاومت (همخوانی)	پیمان ابراهیم (همخوانی)
اعتقادی (۳ شاخص)	قوی (۲ شاخص قویاً منطبق، ۱ منطبق)	بسیار ضعیف (۲ شاخص شدیداً غیرمنطبق، ۱ صوری)
رفتاری (۴ شاخص)	قوی (۳ قویاً منطبق، ۱ تا حدی منطبق با توجه)	بسیار ضعیف (همه ۴ شاخص غیرمنطبق یا شدیداً غیرمنطبق)
سیاسی (۴ شاخص)	قوی (۳ قویاً منطبق، ۱ منطبق)	بسیار ضعیف (همه ۴ شاخص غیرمنطبق یا شدیداً غیرمنطبق)

۵-۲. نقش قیود در تعدیل داوری:

اعمال متقارن قیود نشان داد که محور مقاومت در یک مورد (شاخص ۵) توانست با استناد به اضطراب (تحریم‌های شدید) تا حدی توجه شود، در حالی که پیمان ابراهیم نتوانست هیچ توجه

اضطرار یا تقيه‌ای برای عادی‌سازی ارائه دهد. این تفاوت، نه به دلیل جانبداری پژوهش، بلکه به دلیل تفاوت در شرایط عینی دو جبهه است.

۳-۵. مسئله عدالت به عنوان قید فرادست:

هر دو جبهه در برخی اقدامات خود متهم به نقض عدالت هستند. اما گزارش‌های بین‌المللی علیه محور مقاومت عمدتاً مربوط به جنگ‌های نیابتی (یمن، سوریه) است، در حالی که علیه پیمان ابراهیم، مشارکت مستقیم در تأمین جنگ‌افزار برای کشتار جمعی در غزه مطرح است. از منظر فقهی، «مشارکت در ظلم» از «ظلم مستقیم» کمتر نیست، بلکه در برخی موارد سنگین‌تر است. بنابراین، در مجموع، قید عدالت بیشتر به ضرر پیمان ابراهیم عمل می‌کند.

۴-۶. اعتبار و محدودیت‌های چارچوب:

چارچوب ارائه‌شده دارای اعتبار درونی بالایی است زیرا شاخص‌ها مستقیماً از قرآن و تفاسیر معتبر استخراج شده‌اند. اما محدودیت‌های آن عبارتند از: (۱) دشواری سنجش مستقیم نیت‌های اعتقادی؛ (۲) وابستگی به داده‌های ثانویه (گزارش‌های بین‌المللی) که ممکن است دچار سوگیری باشند؛ (۳) عدم امکان درگیری مستقیم با منابع عبری و انگلیسی برای تأیید برخی ادعاها. پژوهش‌های آینده می‌توانند با روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) این محدودیت‌ها را کاهش دهند.

نتیجه‌گیری

بر اساس شاخص‌های یازده‌گانه و با اعمال متقارن قیود چهارگانه (تقيه، مصلحت، اضطرار، عدالت) بر هر دو جبهه، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. محور مقاومت در ۸ شاخص از ۱۱ شاخص (۷۲٪) همخوانی قوی تا متوسط و در ۳ شاخص (همکاری با روسیه، مذاکره با آمریکا در برجام، و اتهامات نقض عدالت) همخوانی ضعیف یا نیازمند توجیه دارد.

۲. پیمان ابراهیم در ۱۰ شاخص از ۱۱ شاخص (۹۱٪) همخوانی منفی یا در تضاد آشکار با مبانی قرآنی دارد. تنها در شاخص «اعلام دوستی با خدا و رسول» (به دلیل مسلمان خواندن خود توسط کشورهای عضو) همخوانی صوری وجود دارد که با اقدامات عملی آن‌ها نقض می‌شود.

نتیجه کلی: از منظر غلبه شاخص‌ها (نه حکم شرعی قطعی)، محور مقاومت به الگوی قرآنی «تولی و تبری» نزدیک‌تر است و پیمان ابراهیم مصداق بارز «تولی کفار» محسوب می‌شود. این داوری نسبی است و مشروط به چهار نکته است:

۱. اعتبار علمی این نتیجه به صحت شاخص‌ها، شفافیت فرایند استخراج (جدول ۱) و دقت در جمع‌آوری داده‌ها وابسته است.

۲. تغییر در شرایط عینی (مانند جنگ فراگیر، اضطراب جمعی اثبات‌شده، یا تغییر ماهیت یکی از جبهه‌ها) می‌تواند ارزیابی را تغییر دهد.

۳. نقض عدالت از سوی هر جبهه می‌تواند اعتبار تبری را حتی در صورت همخوانی با سایر شاخص‌ها خدشه‌دار کند. در این پژوهش، اتهامات وارد بر محور مقاومت به عنوان کاهش‌دهنده اعتبار لحاظ شد، اما به دلیل عدم اثبات قطعی و همچنین وجود اتهامات مشابه یا شدیدتر علیه پیمان ابراهیم، وزن این کاهش به گونه‌ای نبود که ارزیابی کلی را معکوس کند.

۴. این پژوهش به جای صدور حکم تکفیرآمیز یا تقدیس سیاسی، چارچوبی تحلیلی ارائه می‌دهد که دیگر پژوهشگران می‌توانند با داده‌های به‌روزرتر، روش‌های دیگر استخراج شاخص، یا اضافه کردن جبهه‌بندی‌های دیگر (مانند ناتوی عربی یا ائتلاف دریایی) آن را آزمون و اصلاح کنند. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده:

- کاربست این چارچوب بر جبهه‌بندی‌های دیگر مانند «ناتوی عربی» یا «ائتلاف دریایی» به رهبری آمریکا.

- طراحی نسخه کمی (شاخص‌های عددی) برای سنجش دقیق‌تر میزان همخوانی.

- بررسی تطبیقی نقش «مصلحت» در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت و تأثیر آن بر داوری درباره عادی‌سازی.

سپاسگزاری

این پژوهش هیچگونه حمایت مالی از سوی نهاد یا سازمانی دریافت نکرده است و تمامی هزینه‌های آن توسط نگارندگان تأمین گردیده است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آقاجانی، منقاری، پوریاء اشرفی، اکبر و توحیدفام، محمد. (۱۴۰۱). (پیمان ابراهیم، کنش فعال ایران در غرب آسیا و مداخله فرامنطقه‌ای ایالات متحده اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹۹(۲۵)، ۹۰-۶۵. doi: 10.22081/psq.2023.74109
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۹۷۹). معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبدالسلام هارون. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. اندیشه، هاشم، و عابدی، احمد. (۱۳۹۸). آثار تربیتی تیری در قرآن و حدیث. آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ۵(۲)، ۱-۱۷.
۵. پیرمحمدی، سعید؛ طاهری، طاهر و باباتبار سرخی، جواد. (۱۴۰۲). تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ. مجله سیاست دفاعی، ۳۱(۱۲۰)، ۱۵۱-۱۸۰. (doi: [20.1001.1.25381857.1401.15.54.3.8](https://doi.org/10.1001.1.25381857.1401.15.54.3.8))
۶. تقوی رفسنجانی، محمد. (۱۴۰۱). مبانی قرآنی مقابله با مستکبران مبتنی بر سیاست خارجی اسلام. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۵(۲)، ۱۰۵-۱۲۸. [10.30497/qhs.2021.238881.3109](https://doi.org/10.30497/qhs.2021.238881.3109)
۷. جاسیز، شرار. (۲۰۲۳). نوموس، محور مقاومت و نظم منطقه‌ای در غرب آسیا. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۶(۶۱)، ۲۸۱-۲۸۴. [10.2783.4999/PRIW.2306.1262.2.25.4](https://doi.org/10.2783.4999/PRIW.2306.1262.2.25.4)

۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
۹. خلیل بن احمد فراہیدی. (۱۴۰۵ق). *کتاب العین*. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: انتشارات هجرت.
۱۰. دہخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه* (جلدهای ۴ و ۵). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. رشیدرضا، محمد. (۱۳۶۷ق). *تفسیر المنار* (جلدهای ۲، ۵). قاهره: دار المنار.
۱۲. سازمان ملل متحد. (۲۰۲۲). گزارش کمیته بین المللی تحقیق درباره یمن (۵۰/۲۰۲۲S/). نیویورک: شورای امنیت.
۱۳. شاپوری، مهدی. (۱۴۰۱). محور مقاومت، جمهوری اسلامی ایران و نظم منطقه‌ای. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۴. شاه رضائی، محمدحسن گودرزی، مہناز، ایزدی، جهانبخش، (۱۴۰۳). *پیمان ابراهیم و پیامدهای منطقه‌ای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۱۸ د ۶۹، ص ۲۸۱-۳۰۸. لینک: <https://www.rahyaftjournal.ir/article.html۲۱۷۹۴۳>
۱۵. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن* (جلدهای ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۳، ۱۸، ۱۹). بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. عفو بین الملل. (۲۰۱۸). *نقض حقوق بشر در سوریه: نقش حزب الله لبنان* (گزارش MDE ۲۴/۴۳۲۱/۲۰۱۸). لندن: انتشارات عفو بین الملل.
۱۸. فتح الله، احمد. (۱۴۲۸ق). *معجم ألفاظ الفقه الجعفری*. قم: مرکز النشر لدفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. قم: دار الهجرة.
۲۰. قرائتی، محسن. (۱۳۷۹). *تفسیر نور* (جلد ۱). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۲ق). *الجامع لأحكام القرآن* (ج‌های ۲۰-۱). بیروت: دار الکتب العلمیة
۲۲. قرضاوی، یوسف. (۱۳۹۳ق). *فقه الجهاد* (جلد ۲). قاهره: مکتبه وهبه.
۲۳. قطب، سید. (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن* (جلدهای ۱، ۳، ۵). قاهره: دار الشروق.

۲۴. کریمی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). نقش ج.ا. ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت.

پژوهش ملل، (۲۰)، ۱۵۵، ۱۷۴. <https://www.magiran.com/paper/1732012>

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (جلدهای ۵، ۶، ۷). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۶. هدایتی شهیدانی، مهدی و بابایی، محمدرضا. (۱۳۹۹). محور مقاومت: شرحی بر ویژگی ها و وجوه

مختلف. تهران: موسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور

27. 30. Azizi, H. (2026). *The Axis of Resistance: Iran, Israel, and the Struggle for the Middle East*. Polity Press.]

28. 31. Fakhro, E. (2024). *The Abraham Accords: The Gulf States, Israel, and the Limits of Normalization*. Columbia University Press.]

پیش از انتشار (ناویراسته)